

گفت: اینها باید بدانند بدنبال مرید گشتن و شعار دادن غیر از توجه داشتن به واقعیت‌هاست ایشان افزود: تصور میکنم همه طالب یک چیز هستیم و آن برقراری آزادی و مساوات است، پس باید از خودپرستی بپرهیزیم و به واقعیتها توجه داشته باشیم.

آیت‌الله طالقانی به نقل از حضرت رسول گفت: سرنوشت مردم بدست خود مردم باشد و مردم باید خود بر مقدرات خود حاکم باشند. ایشان درباره طرفداری از کارگر، گفت: این یک شعار وارداتی است. همه‌جا استثمار وجود دارد حتی افراد مذهبی هم استثمار شده‌اند. امیدوارم در جمهوری اسلامی ریشه استعمار و استثمار کنده شود. اطلاعات، ۱۱ فروردین ۵۸

سخنان پدر طالقانی در مراسم سوگند پرسنل شهر بانی جمهوری اسلامی ایران

در قسمتی از این مراسم حضرت آیت‌الله طالقانی طی سخنانی اظهار داشتند: اجتماعی است از برادران و خواهران و فرزندان مؤمن به انقلاب، افسران، درجه‌داران، پاسبان‌ها و افراد پلیس ما. مقدمه هر سوگند به حق، سوگندی که منشاء تعهد و مسئولیت و انجام وظیفه است، توبه است. توبه در فرهنگ اسلام و مبانی قرآن، راه آشتی خلق، انسان گناهکار با خدا و مردم است. در همه ادیان و مذاهب مسئله تزکیه و توبه به صورت‌های مختلف وجود دارد. رهبانیت، قسلی تعمیمی و قربانی‌ها براساس همین اصل توبه است. توبه یعنی برگشت انسانی که خود به خود به طرف گناه سوق داده می‌شود و یک تضاد درونی بین جاذبه حق و زندگی و حیات مادی و شهوات در درون هر فردی پیش می‌آید. این انسان راه توبه می‌جوید. توبه یعنی تحول و تغییر درونی انسان، انسان متحول، انسان قابل برگشت. این از مسائل بسیار مهم اسلامی است که در توبه را به روی انسان باز کرده است.

همانطوریکه آدم ابولبشر مرتکب گناه شد، همه افراد بشر هم مستحق گناه هستند. ولی آنچه بیش از حرکت طبیعی خلاف حق انسان، افراد را دچار گناه می‌کند، محیط اجتماعی است. یعنی انسانی که خواه ناخواه به جاذبه شهوات و هوس‌ها و هوی‌ها دچار گناه میشود. اگر

محیط و نظام اجتماعی در مسیر حق و در مسیر صلاح و در مسیر عدالت نبود افراد بیش از آنچه که به طور طبیعی دچار گناه میشوند، انحراف‌هایشان افزایش می‌یابد. در رژیم منحط و ازگونه برخلاف مسیر حق و عدالت فاسدها منشاء رتق و فتق امور بودند. این همان محیطی است که علی علیه‌السلام به نام محیط جاهلیت از آن نام می‌برد. وقتی که می‌گویند محیط جاهلیت، تصویری قبل از اسلام و بیابان جزیره‌العرب، بت‌ها، وحشیگری‌ها... در ذهن ما ترسیم می‌شود و گمان می‌کنیم همان معنی جاهلیت است. اما وقتی علی علیه‌السلام جاهلیت را ترسیم میکند می‌فرماید: سرزمین جاهلیت سرزمینی است که در آن دانشمندان، معتمد، مسؤول لجام خورده است و جاهل بر کرسی زعمات نشسته است.

در چنین محیطی که افراد معتمد در بند باشند هیچ‌کس نمیتواند مدعی باشد که دامنش از لوٹ گناه پاک بوده. هرکسی، هرطبقه‌ای در هر موضعی که بوده کم و بیش دچار گناه شده‌است. در يك فضای آلوده و دودزا هرکس در حد خود دامنش و صورتش آلوده میشود. بنابراین در يك محیط اجتماعی که ما تا چند ماه قبل دچار آن بودیم و آتشفشان شهوت، خودخواهی و گناه همه مردم را کم و بیش مبتلی به گناه کرده بود، بعضی گناهشان بیشتر بود و مستقیماً در گناه و ظلم و غارت و شکنجه مردم دست داشتند، بعضی در کنارتر بودند، بعضی ساکت بودند، بعضی‌ها هم رژیم را همراهی و کمک میکردند. یعنی اکثراً گناهکار بودند. جز آنانی که به پای استقامت قیام کردند. و گناهانشان را با خون بدنشان شستشو کردند.

از این جهت عاملی که ساکت نشست، روشنفکری که فکرش را اختیار نظام استبداد قرار داد. آنکه در گذشته در چنین روزی جاوید شاه گفت، مسیر زندگی او را به اینجاکشانده بود که برخلاف درك و شعورش که هیچکس جاویدان نیست نعره جاوید شاه بکشد. من به طور کلی میگویم که اکثریت ملت ما کم و بیش گناهکار بودیم و ما را به سوی گناه کشانده بودند. همه باید توبه کنیم. نباید عده خاصی، گروهی و افرادی را گناهکار بشماریم و دیگران را تبرئه کنیم. خداوند راه توبه را برایمان باز گذاشته و ما که مسلمان، موحد و پیرو قرآن هستیم باید با سینه باز راه توبه را باز کنیم و بپذیریم.

حضرت آیت‌الله طالقانی در قسمت دیگری از سخنانشان گفتند: ما باید به‌خاطر زخم‌هایی که خوردیم، غارت‌هایی که شدید، بخاطر کشته‌دادن بهترین جوان‌هایمان، به‌منطق عقل و دین و شرافت باید انتقام‌جوئی کنیم. دیگران هرچه می‌خواهند بگویند بگذارید بگویند. ولی يك مسئله را نباید فراموش کنیم و آن اینستکه ما ملتی هستیم وابسته به‌هم. گناهکار و بی‌گناه به‌هم وابسته‌ایم. ما در مرحله اول از ملت ایران و در مرحله بعد از رهبری انقلاب - چون رهبر ما رهبر ملت است و فریاد ملت است - می‌خواهیم درباره جنایتکاران اصلی آن‌هایی که مستقیماً دستشان به‌خون مردم و اموال و ثروت‌های مردم آلوده شده است گذشت نشود. ولی آن‌هایی که در پست‌ها و جاهائی بودند که خواه ناخواه به‌طرف گناه کشیده شدند مقصرین اصلی نیستند و باید وضع زندگی آن‌ها در يك محیط آرام بررسی شود. ما می‌خواهیم يك عفو عمومی که باقیمانده سنت پیامبر است صورت بگیرد تا بتوانیم به جهانیان بفهمانیم انقلاب ما خصوصیات و ویژگی‌های خاص خود را دارد.

آیت‌الله طالقانی در پایان سخنرانی خود خطاب به پرسنل شهربانی گفتند: امروز پلیس از ملت است و ملت باید همکار پلیس باشد. ما بسیار متأسفیم که در مراکز کلانتری‌ها و شهربانی هنوز پلیس خودش کنار میکشد. و این يك نوع حالت دل‌زدگی و افسردگی است که باید با همکاری و روی خوش ملت برطرف شود. مردم باید در خیابان‌ها و جاهای دیگر با پلیس همکاری کنند. همه قوانین، احکام و مصوبات باید به‌دست پلیس انجام گیرد. پلیس واقعی را نمی‌توان با پول و درجه خرید، چون وجدانش براو حاکم است. خصوصاً در کشور اسلامی باید وجدان مسئولیت در فرزندان پلیس ما زنده‌تر شود. آنها باید در مقابل این نهضت عظیم احساس مسئولیت کنند. امیدوارم وضع پلیس بهتر شود در کلانتری‌ها، باید رئیس کلانتری به‌معنای واقعی کلانتر باشد. یعنی سرپرست محل، نگهبان محل و مسئول جان و مال و ناموس ساکنین آن محل و شهربانی هم باید ناظر بر کارهای کلانترهای باشد.

کیهان چهارشنبه ۲۲ فروردین ۵۸